



## از بن‌بست تشبیه تا افق تنزیل؛ جایگاه صحیفه سجادیه در الهیات دعا

حجت‌الاسلام والمسلمین سیداسحاق حسینی کوهساری معتقد است؛

حجت الاسلام والمسلمین سیداسحاق حسینی کوهساری معتقد است؛ هرگاه انسان بخواهد با زبان محدود خود با خدای نامحدود سخن بگوید، یا ناخواسته او را در حد فهم بشری فرو می‌کاهد و دچار تشبیه می‌شود، یا از درک عظمت الهی بازمی‌ماند و به تعطیل می‌رسد. صحیفه سجادیه، به عنوان مناجات نامه امام سجاد(ع)، راه سومی پیش روی انسان می‌گذارد؛ راهی که در آن، نیایش نه با زبان خاکی بشر، بلکه با زبان معصوم شکل می‌گیرد و امکان گفت وگویی عمیق و رشد دهنده را ایجاد می‌کند.

در حال تکمیل /صحیفه سجادیه؛ زبان معصوم برای عبور انسان از بن‌بست مناجات با خداماه شعبان، ماهی آمیخته با نام و یاد معصومان(ع) و فرصتی برای آماده شدن به ضیافت ماه رمضان است؛ فرصتی مغتنم برای بازگشت دل به ساحت مناجات و گفت‌وگو با خداوند. فضای معنوی ماهی که به نام پیامبر(ص) متبرک شده و با ولادت‌ها و مناسبت‌های نورانی اهل بیت(ع) همراه شده است. اکنون در این موقف انسان به زبانی مطمئن برای نیایش و تقرب الهی نیاز دارد؛ زبانی که از لغزش تشبیه و سکوت تعطیل در امان باشد؛ زبانی که راز و رمزهای این جهانی و آن جهانی را بشناسد و معمای هستی در نظرش مکشوف باشد.

صحیفه سجادیه مناجات نامه امام سجاد(ع)، نه صرفاً مجموعه‌ای از دعاها، بلکه الگویی کامل برای برقراری ارتباط انسان با حقیقت مطلق الهی است؛ متنی که در آن، انسان از طریق کلام ولی خدا، به گفت‌وگویی آگاهانه و عمیق با پروردگار فراخوانده می‌شود و متن و بطن هستی و نیاز وجودی خود را در می‌یابد.

با همین دغدغه سرویس اندیشه ایکنا به سراغ حجت الاسلام والمسلمین سیداسحاق حسینی کوهساری استاد حوزه، دانشگاه و صحیفه پژوه رفت، تا از مناجات و دعا و مقام صحیفه شریف بپرسد. این صحیفه پژوه نویسنده کتاب‌های چون «حمد نامه»، «مبانی تفسیر عرفانی: بررسی و نقد»، «تاریخ فلسفه اسلامی» و «نگاهی قرآنی به فشار روانی» است. او با تأکید بر جایگاه صحیفه سجادیه در معارف اسلامی، معتقد است که صحیفه پاسخ به یکی از بنیادی‌ترین تمای انسان در نیایش است؛ تمنا و نیازی که نسبت انسان محدود با خدای نامحدود را مرتفع می‌کند. به گفته وی، هرگاه انسان بخواهد از موضع خود با خدا سخن بگوید، یا دچار تشبیه می‌شود و خدا را در حد فهم بشری پایین می‌آورد، یا به تعطیل می‌رسد و راه ارتباط را مسدود می‌بیند. او راه عبور از این دو آفت را تنزیل معارف الهی از مسیر معصوم می‌داند.

مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانیم:

ایکنا- با توجه به جایگاه «صحیفه» در سنت وحی و کارکرد آن در هدایت فردی و معنوی انسان، صحیفه سجادیه را چگونه می‌توان در امتداد صفح انبیای الهی تحلیل کرد و چه نسبتی میان این متن و نیازهای معنوی انسان معاصر برقرار است؟

صحیفه، واژه‌ای ریشه‌دار در سنت و تاریخ ادیان الهی است؛ هرچند در منابع دینی از پنج کتاب آسمانی به عنوان کتب اصلی یاد می‌شود، اما این بدان معنا نیست که همه پیامبران الهی صاحب کتاب بوده‌اند. بنا بر نقل مشهور، از میان یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر الهی، بسیاری دارای کتاب شریعت مستقل نبوده‌اند، بلکه آنچه بر ایشان نازل می‌شده، در قالب صفح بوده است. قرآن کریم نیز به صراحت به این موضوع اشاره دارد و از «صحف ابراهیم و موسی» نام می‌برد. این تعبیر نشان می‌دهد که اولیای و انبیاء ارتباطی با خدا داشتند که در قالب صحیفه صورت گرفته و نه کتابی جامع.

بررسی تاریخی نزول وحی نشان می‌دهد که در آغاز حیات اجتماعی بشر، همچون دوران حضرت آدم(ع)، جامعه انسانی هنوز به مرحله‌ای نرسیده بود که نیازمند نظام جامع حقوقی و اجتماعی باشد. در چنین شرایطی، وحی الهی در قالب صحیفه نازل می‌شد؛ صحیفه‌ای که بیشتر ناظر به هدایت فردی، ارتباط معنوی با خداوند و تبیین اصول بنیادین ایمان بود. با گسترش جوامع انسانی و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی، نیاز به مرجع جامع و قانون‌مند افزایش یافت و به تبع آن، کتاب‌های آسمانی نازل شدند. در متون ادیان پیشین نیز نمونه‌هایی از صحیفه دیده می‌شود مانند زبور حضرت داود(ع).

ایکنا- آموزه‌های دینی و به ویژه صحیفه سجادیه چگونه راهی متوازن برای ارتباط انسان محدود با خداوند نامحدود، بدون افتادن در تشبیه یا تعطیل، ارائه می‌دهند؟

در منظومه معارف دینی، یکی از بنیادی ترین مسائل، چگونگی ارتباط انسان با خداوند متعال است. خداوند، وجودی مطلق، نامحدود و فراتر از قیود مادی و ذهنی بشر است، در حالی که انسان، موجودی محدود، مقید و وابسته به زمان و مکان است. این تفاوت بنیادین، مسئله ارتباط و گفت وگوی انسان با خداوند را به یکی از پیچیده ترین مباحث معرفتی و الهیاتی تبدیل کرده است. انسان، هنگامی که قصد سخن گفتن با خداوند را دارد، ناگزیر از موضع پایین به بالا وارد این ارتباط می شود. همین امر سبب می شود که این ارتباط، اگر به درستی هدایت نشود، معمولاً به یکی از دو سرنوشت دچار گردد: تشبیه یا تعطیل.

در رویکرد تشبیهی، انسان خداوند را با معیارهای انسانی می سنجد و صفات الهی را به گونه ای تفسیر می کند که به صفات بشر شباهت پیدا می کند. در این حالت، خداوند به موجودی انسان گونه فروکاسته می شود و عظمت و اطلاق ذات الهی مورد غفلت قرار می گیرد. در مقابل، در رویکرد تعطیلی، انسان به دلیل ناتوانی عقل خود از درک حقیقت الهی، اساساً از هرگونه توصیف و ارتباط معرفتی با خداوند دست می کشد.

ایکنا- راه سوم برون رفت از دو آفت تشبیه و تعطیل در معرفت خداوند چیست و «تنزیل الهی» چگونه این مسیر را برای انسان ممکن می سازد؟

در آفت تشبیه، انسان خداوند را با معیارهای انسانی می سنجد و صفات الهی را به گونه ای تفسیر می کند که به ویژگی های بشر شباهت پیدا می کند. این رویکرد، هرچند ظاهراً ارتباط را حفظ می کند، اما در واقع به تقلیل مقام ربوبی و محدود ساختن ذات نامتناهی الهی می انجامد. در مقابل، آفت تعطیل زمانی رخ می دهد که انسان به دلیل ناتوانی عقل خود از درک حقیقت خداوند، هرگونه شناخت و گفت وگو درباره او را ناممکن دانسته و عملاً رابطه معرفتی خود با خداوند را قطع می کند.

برون رفت از این دو آفت، نیازمند انتخاب راه سوم است؛ راهی که نه به تشبیه بینجامد و نه به تعطیل. این راه، همان تنزیل الهی است؛ یعنی خداوند را از طریق پیامبران و اولیای الهی و نحوه شناخت و سخن گفتن آنان بشناسیم. در این چارچوب، بشر نه با ذهن محدود خود، بلکه با هدایت وحی و زبان اولیای الهی به سوی معرفت خداوند حرکت می کند.

ایکنا- چگونه تنزیل الهی و نقش پیامبران و اولیای الهی، جایگاه صحیفه سجاده را به عنوان مناجات انسان کامل با خداوند تبیین می کند و چرا تغییر در متن دعا اثر آن را مختل می سازد؟

در الهیات اسلامی، راه صحیح شناخت خداوند و برقراری ارتباط با او، نه از مسیر ذهن محدود بشر، بلکه از طریق تنزیل الهی می گذرد. تنزیل به این معناست که خداوند متعال، حقیقت و اسماء و صفات خود را در سطح فهم بشر نازل می کند و این نزول، به واسطه پیامبران و اولیای الهی تحقق می یابد. پیامبران الهی، حلقه اتصال میان عالم خاک و عالم افلاک اند؛ آنان واسطه فیض میان انسان محدود و خدای مطلق به شمار می روند. حضور، رفتار و سخنان ایشان، جلوه ای تنزیلی از حقیقت الهی است و به همین دلیل، معرفت انسان نسبت به خداوند، تنها در سایه رجوع به این واسطه های الهی از خطر تشبیه و تعطیل مصون می ماند.

در همین چارچوب است که رابطه عمیق میان پیامبر اکرم(ص) و قرآن کریم معنا پیدا می کند. اگر حقیقت نبوت به قالب لفظ درآید، قرآن شکل می گیرد و اگر قرآن از حالت لفظی خارج شده و در وجودی انسانی تجسم یابد، پیامبر(ص) جلوه گر می شود. به بیان دیگر قرآن پیامبر مکتوب است و پیامبر قرآن مجسم است. این معنا، ریشه در روایاتی دارد که اولیای الهی را مظهر اسماء و صفات حسنی الهی معرفی می کند.

از این منظر، سخن پیامبر و امام، صرفاً بیان شخصی یا تجربه فردی نیست، بلکه بیان الهی در قالب انسانی است. به همین دلیل، زبان اولیای الهی در دعا و مناجات، زبانی متفاوت از زبان عموم انسان هاست؛ زبانی که نه گرفتار تشبیه می شود و نه به تعطیل می انجامد، بلکه انسان را در مسیر معرفت صحیح الهی هدایت می کند. این مبنا با توجه به نقش تنزیلی پیامبران و اولیای الهی در معرفت خداوند، مقدمه ای اساسی برای فهم جایگاه صحیفه سجاده است؛ اینکه صحیفه سجاده؛ مناجات انسان کامل با خداست و نباید در رجوع و خواندن آن تغییر در دعا ایجاد کرد. این اثر، صرفاً مجموعه ای از ادعیه فردی نیست، بلکه مناجات انسانی است که به قله معرفت الهی رسیده و زبان او از آلودگی های ذهن بشری مصون است.

یکی از نکات بنیادین در مواجهه با ادعیه صادرشده از معصومین(ع)، اصل عدم تغییر در متن برای حصول اثر و کیفیت دعاست. بر اساس این دیدگاه، دعاها مآثور از معصوم، همانند نسخه درمانی اند که از سوی طبیب حقیقی صادر شده اند و هرگونه کم یا زیاد کردن در متن، تعداد آن ها، می تواند اثرگذاری دعا را مختل کند. در این زمینه، علامه حسن زاده آملی در رساله «نور علی نور» با تمثیلی روشن توضیح می دهد که همان گونه که مصرف دارو باید دقیقاً مطابق نسخه پزشک و در زمان مشخص انجام

شود، دعا نیز که شفای روح و جان انسان است، باید مطابق دستور معصوم قرائت گردد. معصومین(ع) اطباء حقیقی جان انسان اند و تغییر نسخه آنان، به معنای خروج از مسیر درمان است.

به عنوان نمونه، اگر ذکر از سوی معصوم یک بار یا تعداد مشخصی تعیین شده باشد، همان تعداد باید رعایت شود. به عنوان مثال در تسبیحات حضرت زهرا(س) که شامل ۳۴ تکبیر است، باید به همان تعداد گفته شود و نه کمتر و نه بیشتر. حال ممکن است سوال شود که اگر بیشتر بگوییم یا کمتر آیا ذکر نیست؟ در پاسخ می گویم بله ذکر است اما دیگر تسبیحات حضرت زهرا(س) نیست.

ایکنا- چرا صحیفه سجاده از نظر سندی و اعتبار، جایگاهی ویژه در میان متون دینی شیعه دارد و چه رابطه ای میان این اعتبار و نقش آن به عنوان «خواهر قرآن» برقرار است؟

یکی از ویژگی های برجسته صحیفه سجاده، جایگاه سندی خاص آن در میان متون دینی شیعه است. بسیاری از عالمان و محققان، صحیفه سجاده را از حیث اعتبار، در شمار متون متواتر دانسته اند؛ به گونه ای که در مواجهه با آن، کمتر وارد مباحث پیچیده سندشناسی می شوند. علت این امر آن است که صحیفه سجاده، مناجات مستقیم امام معصوم(ع) با خداوند است و شیعیان، بی واسطه وارد فضای سخن انسان کامل می شوند. از این رو، اصل صدور آن از امام سجاده(ع) محل تردید قرار نگرفته است. از صحیفه سجاده به عنوان «أخت القرآن» (خواهر قرآن) یاد کرده اند. این تعبیر ناظر به آن است که همان گونه که قرآن کریم کلام الهی در قالب لفظ است، صحیفه سجاده نیز تجلی کلام الهی در قالب دعا و مناجات انسان کامل به شمار می رود.

در مقایسه با نهج البلاغه نیز به این نکته اشاره می شود که هرچند نهج البلاغه از نظر محتوا و عظمت معنوی جایگاهی بی بدیل دارد، اما گردآوری آن توسط مرحوم سید رضی(متولد ۳۵۹ و متوفی ۴۰۶ قمری)، حدود ۳۶۰ سال پس از عصر امیرالمؤمنین(ع) صورت گرفته است. در حالی که صحیفه سجاده، از حیث نقل و تداول، پیوند مستقیم تری با عصر صدور دارد و همین امر، برتری سندی آن را در نگاه برخی اندیشمندان توضیح می دهد. این جایگاه سندی ویژه، موجب شده است که صحیفه سجاده نه تنها یک متن دعایی، بلکه مرجعی معرفتی و تربیتی برای سیر و سلوک انسان مؤمن تلقی شود.

ایکنا- صحیفه سجاده در مسیر سیر و سلوک معنوی چگونه میان عقل، دل و عمل انسان تعادل ایجاد می کند و چه تفاوتی با مشرب های فلسفی و عرفانی غیرالهی دارد؟

در مسیر سیر و سلوک معنوی، انسان همواره در معرض آلودگی های فکری، اخلاقی و نفسانی قرار دارد. حرکت از عالم محدود انسانی به سوی دریای نامتناهی الهی، بدون راهنمای معصوم، حرکتی پرخطر و لغزنده است. در این مسیر، کلام معصوم(ع) نقش اساسی در پالایش روح و تصحیح جهت حرکت انسان ایفا می کند. کلام معصوم، به دلیل اتصال به منبع وحی و عصمت از خطا، همچون آبی زلال است که آلودگی های مسیر را می شوید و انسان را از انحرافات نفسانی باز می دارد.

در تاریخ اندیشه اسلامی، مشرب های متعددی برای سیر و سلوک مطرح شده، مانند اخلاق فلسفی که بر عقل گرایی تکیه دارند و تلاش می کنند مسیر کمال انسانی را از طریق استدلال و تزکیه عقلانی ترسیم کنند این مشرب در ایران و روم وجود دارد. در مقابل، برخی دیگر، رویکرد عرفانی را برگزیده اند که خود به دو شاخه کلی تقسیم می شود: عرفان بشری، که ریشه در مکاتب غیرالهی مانند برخی سنت های هندی دارد، و عرفان الهی که مبتنی بر وحی و هدایت پیامبران است. عرفان الهی، راهی است که انسان را از ظاهر شریعت به باطن حقیقت هدایت می کند و این عبور، تنها از مسیر پیامبران و اولیای الهی ممکن است. در این میان، نگاه برخی از بزرگان، همچون آیت الله بهجت(ره)، بر سادگی و شفافیت این مسیر تأکید دارد؛ به گونه ای که ایشان راه اصلی سیر و سلوک را در عمل به واجبات و ترک محرمات خلاصه می کردند.

علاوه بر این، مشرب های دیگری نیز در حوزه اخلاق و تربیت معنوی وجود دارد، از جمله اخلاق قرآنی و اخلاق حدیثی که هر یک با تکیه بر متون وحیانی و دیگر رجوع به احادیث صادره از معصومین، تلاش دارند انسان را به سوی کمال هدایت کنند. در میان این رویکردها، اخلاق جامع مطرح است که به اندیشه ملاصدرا و حضرت امام(ره) باز می گردد که در آن جمع بین برهان، قرآن، عرفان و ادعیه معصومین(ع) است، به ویژه صحیفه سجاده که نقطه اتصال مشترکی به شمار می رود که هم عقل، هم دل و هم عمل انسان را در مسیر الهی سامان می بخشد.

ایکنا- چگونه صحیفه سجاده، برخلاف قرآن که مخاطب آن عموم مردم است، انسان را به افق بالاتر گفت وگو با خداوند می برد و چه نقش تربیتی و آرامش بخشی در زندگی معنوی انسان دارد؟

قرآن کریم و صحیفه سجاده، هر دو از عالی ترین متون دینی در سنت اسلامی اند، اما مخاطب، شیوه بیان و سطح سخن گویی

در آن‌ها متفاوت است. قرآن کریم مأمور است که با عموم مردم سخن بگوید و به همین دلیل، بیان آن متناسب با سطح عقل مخاطبان تنظیم شده است. از این رو، در قرآن از تمثیل، قصه، تشبیه‌های قابل فهم و بیان تدریجی معارف استفاده شده تا عموم انسان‌ها بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند. در مقابل، دعاها و مناجات‌های موجود در صحیفه سجادیه، سخن پیامبرگونه امام با خداوند است؛ سخنی که در آن، امام(ع) و پیامبر(ص) در مقام عروج و قرب الهی قرار دارند و مخاطب مستقیم آن، خدای متعال است، نه عموم مردم. از این جهت حضرت امام(ره) معتقد است دعا قرآن صاعد است؛ یعنی انسان کامل در مقام صعود الی الله قرار گرفته و سخن می‌گوید. به همین دلیل، سطح معارف الهی و نوع ادبیات در صحیفه سجادیه، عمیق‌تر و بلندتر از بیان عمومی قرآن جلوه می‌کند. دعاها این مجموعه، بیان نیازها، رحمت خواهی‌ها و درخواست‌هایی است که از افق بلند معرفت الهی صادر شده و انسان را با حقیقت رحمانیت خداوند آشنا می‌سازد.

دعاهایی همچون دعای ابوحمره ثمالی، دعای کمیل و دعاها صحیفه سجادیه، جلوه‌هایی روشن از رحمت الهی به شمار می‌روند. به ویژه دعاها مربوط به ماه مبارک رمضان، که در آن‌ها برای شفای بیماران، آزادی اسیران و رفع گرفتاری‌ها دعا می‌شود، مظهر گستردگی رحمت خداوند نسبت به همه بندگان است. به نظر می‌رسد صحیفه سجادیه بیش از آنکه متنی برای عموم باشد، متنی خواص محور تلقی می‌شود؛ متنی که انسان را به افق بالاتر از زندگی روزمره می‌برد و پنجره‌ای به سوی گفت‌وگوی او با خدا باز می‌کند.

صحیفه سجادیه صرفاً متنی عبادی یا فردی نیست، بلکه اثری عمیقاً تربیتی، اجتماعی و آرامش‌بخش است. این کتاب با گشودن پنجره دل انسان به سوی خداوند، او را از تشویش‌های درونی، اضطراب‌های روحی و درگیری‌های فرساینده دنیوی رها می‌سازد و به او افق جدیدی از معنا رهنمون می‌کند. از منظر کاربردی، صحیفه سجادیه قابلیت همراهی انسان در تمام مراحل زندگی را دارد. در این مجموعه، دعاهایی برای شرایط خاص زمانی وجود دارد؛ مانند دعای روز جمعه، دعای ورود به ماه مبارک رمضان و دعای عرفة و نظیر آن. در کنار این دعاها زمان‌مند، دعاها عام و فرازمانی نیز دیده می‌شود که برای طیف گسترده‌ای از نیازهای انسانی، از جمله ادای دین، شفای بیماران، رفع اندوه، اصلاح اخلاق و تقویت ایمان، نسخه‌هایی الهی ارائه می‌کند.

برخی از استادان و مبلغان دینی، صحیفه سجادیه را به عنوان هدیه‌ای معنوی به دانشجویان و جوانان اهدا می‌کنند و معتقدند آشنایی نسل جوان با زبان مناجات امام سجاد(ع)، می‌تواند آنان را در برابر بحران‌های فکری و روحی زمانه مقاوم سازد و حتی یک بار مراجعه آگاهانه به صحیفه سجادیه می‌تواند نقطه عطفی در زندگی معنوی انسان ایجاد کند.

ایکنا- چرا حفظ متن اصلی دعاها صحیفه سجادیه ضروری است و چگونه این متن انسان را از عالم محسوس به معرفت حقیقت الهی رهنمون می‌کند؟

یکی از نکات بنیادین در بهره‌مندی از صحیفه سجادیه، توجه به متن اصلی دعاهاست. هرچند ترجمه‌ها نقش مهمی در فهم معنا دارند، اما صرف خواندن ترجمه، به معنای تحقق کامل اثر صحیفه نیست. دعا دارای اثر و ثواب وضعی است؛ اثری که در خود الفاظ، چینش کلمات و ترتیب عبارات نهفته است و این ویژگی، تنها در متن مأثور حفظ می‌شود. از این رو، توصیه می‌شود خواننده ابتدا دعا را به زبان اصلی بخواند و سپس برای تعمیق فهم و درک معنایی، به ترجمه و شرح مراجعه کند. این شیوه، هم ارتباط قلبی با متن را حفظ می‌کند و هم امکان تدبر و معرفت‌افزایی را فراهم می‌سازد.

در میان دعاها صحیفه سجادیه، دعای فرشتگان به عنوان یکی از دعاها تأمل‌برانگیز و معرفت‌محور معرفی می‌شود. این دعا، انسان را متوجه مالکیت مطلق خداوند بر عالم هستی می‌کند و یادآور می‌شود که جهان تنها به بعد مادی و فیزیکی محدود نیست، بلکه هر پدیده‌ای مانند قطرات باران دارای موکل و تدبیر الهی است. این نگاه، افق انسان را از عالم محسوس فراتر برده و او را با حقیقت جهان متافیزیک آشنا می‌سازد.